

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله - (لوح مانکجی) رگ جهان در دست پزشک دانا است درد را می بیند و بدانائی

درمان

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



رگ جهان در دست پزشک دانا است درد را میبیند و بدانائی درمان میکند هر روز را رازی است و هر سر را آوازی درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید دیده میشود گیتی را دردهای بی کران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته مردمانی که از بادهء خودبینی سرمست شده اند پزشک دانا را از او بازداشته اند اینست که خود و همهء مردمان را گرفتار نموده اند نه درد میدانند نه درمان می شناسند راست را کژانگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند بشنوید آواز این زندانی را بایستید و بگوئید شاید آنانکه در خوابند بیدار شوند بگو ای مردگان دست بخشش یزدانی آب زندگانی میدهد بشتابید و بنوشید هر که امروز زنده شد هرگز نمیرد و هر که امروز مرد هرگز زندگی نیابد...



ORIGINAL



AUDIO